

تاریخ اجمالی ترجمه در غرب *

نویسنده: پیتر نیومارک

مترجم: نوگس سروش

ترجمه، نظریه و عمل

قدمت اولین ترجمه‌های بدست آمده، کتیبه‌هایی که به دو زبان نوشته شده است، به ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد، به زمان امپراتوری قدیم مصریان. در غرب، ترجمه در سال ۳۰۰ پیش از میلاد اهمیت پیدا کرد. در این سال رومیان بر بسیاری از عناصر تمدن یونان از جمله بر تمامی منابع مذهبی آنان یکجا دست یافتند. در قرن دوازدهم، غرب از طریق اسپانیای تحت سلطه اعراب (یا بقول اسپانیاییها «مورها») در تماس مستقیم با اسلام قرار گرفت. این ارتباط دو شرط اصلی برای انجام ترجمه در مقیاس وسیع را تحقق بخشید: تفاوتی کیفی در تمدن (غرب از نظر تمدن در سطح پائین تری قرار داشت، اما تشنه فراگیری علم و جذب عقاید جدید بود) و ارتباط پیوسته بین دو زبان. وقتی که اقتدار اعراب در اسپانیا از بین رفت، مترجمان مکتب تولید و کتابهای علمی و فلسفی یونان را از زبان عربی ترجمه کردند. ترجمه انجیل به قلم لوتر (۱۵۲۲) بنای زبان آلمانی جدید را پدیداریخت. ترجمه انجیل معروف به ترجمه مجاز کتاب مقدس (۱۶۱۱) که توسط جیمز اول پادشاه انگلستان صورت گرفت، اثری عمیق بر زبان و ادبیات انگلیسی گذاشت. قبل از دوره شکسپیر و هم عصرانش و قبل از ظهور کلاسیسم در فرانسه و جنبش رمانتیسم، ترجمه دوران پر رونقی را پشت سر گذاشته بود.

جامپلت (۱۹۶۱) قرن بیستم را «عصر ترجمه» و بنجامین (۱۹۲۳) آن را «عصر باز آفرینی» نامیده‌اند. در قرن نوزدهم ترجمه اساساً وسیله‌ای برای برقراری ارتباط یکجانبه میان ادبای بزرگ و در سطح محدودتری میان فلاسفه، دانشمندان و خوانندگان تحصیل کرده آنها در خارج از کشور بود. تجارت به زبان ملت غالب صورت می‌گرفت و زبان سیاست از لاتین به فرانسه تغییر یافته بود. امروزه توافقات بین المللی بین دولتها و سازمانهای خصوصی و ملی، حتی در مواردی که امضاء کنندگان توافقنامه‌ها زبان یکدیگر را نمی‌فهمند، برای تمام گروههای ذینفع ترجمه می‌شود. تشکیل سازمانهای بین‌المللی، ظهور کشورهای جدید و تأسیس شرکتهای چند ملیتی و غیره اهمیت سیاسی فزاینده‌ای به ترجمه بخشیده است. نیز پیشرفت حیرت‌انگیز تکنولوژی، تلاش برای انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال رشد، گسترش ارتباطات جهانی و ضرورت انتشار همزمان کتب علمی به زبانهای مختلف نیاز به ترجمه را شدیدتر کرده است. بنا بر فهرستی از ترجمه‌های انجام شده تا سال ۱۹۷۰ که یونسکو منتشر کرده است حجم ترجمه‌های انجام شده از سال ۱۹۴۵ چهار و نیم برابر افزایش یافته است. بیشترین میزان ترجمه به زبانهای آلمانی و روسی انجام شده است (میزان ترجمه‌های آلمانی دو برابر میزان

* این مقاله بخشی از فصل اول کتاب «روشهای ترجمه» با مشخصات زیر است:

ترجمه‌های روسی است) کتب نظری عمدتاً به زبان آلمانی است. در آمریکا و شوروی، مجلات علمی، فنی و پزشکی را بصورت از جلد تا جلد ترجمه می‌کنند. جامعه اقتصادی اروپا ۱۶۰۰ مترجم در استخدام دارد. در سال ۱۹۶۷، هشتاد هزار مجله علمی ترجمه می‌شدند. ترجمه آثار برخی از نویسندگان بین‌المللی، در عصری که آن را عصر «فرهنگ بین‌المللی» و «ادبیات جهانی» می‌نامند، از اصل آنها پرفروش‌تر است. برخی دیگر از نویسندگان، زندگیشان را از راه فروش ترجمه آثارشان یا آثاری که خود ترجمه می‌کنند می‌گذرانند. ترجمه ادبیات کشورهای در حال توسعه که زبان بین‌المللی ندارند کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در مقایسه با حجم ترجمه‌های انجام شده، «درباره ترجمه» بسیار کم سخن گفته شده است. برخی از مسائل نظری ترجمه، از قبیل نقش ترجمه در رشد زبانهای قومی، رابطه ترجمه با معنی، تفکر و همگانیهای زبان، مورد غفلت قرار گرفته است. در گذشته مباحث ترجمه معمولاً حول دو محور صورت می‌گرفت:

الف) تضاد بین ترجمه لغوی و ترجمه آزاد

ب) تناقض بین غیر ممکن بودن ذاتی ترجمه و نیاز مطلق به آن (گوته، ۱۸۲۶)

سیسرو (۵۵ پیش از میلاد) اولین کسی بود که از معنی در برابر لفظ دفاع کرد. او اعتقاد داشت مترجم باید یا مفسر یا خطیب باشد. در قرون پس از آن مقالاتی کلاسیک از این دست توسط افرادی مانند سنت جروم (۴۰۰) لو تر (۱۵۳۰) و درایدن (۱۶۸۴) به رشته تحریر در آمد. اینان همگی معتقد بودند که ترجمه باید زبانی طبیعی و محاوره‌ای داشته باشد. اولین کتاب مهم درباره ترجمه توسط تیتلر در سال ۱۷۹۰ نوشته شد. تیتلر معتقد بود در یک ترجمه خوب زیباییهای متن اصلی چنان به زبان مقصد انتقال می‌یابد که خواننده ترجمه همچون خواننده متن اصلی آن زیباییها را به وضوح درک و احساس می‌کند. کسانی همچون گوته (۱۸۱۳) هومبولت (۱۸۱۶) نوالیس (۱۷۹۸) شوبنهاور (۱۸۵۱) و نیچه (۱۸۸۲) که درباره ترجمه اظهار نظر کردند، بیشتر به ترجمه لغوی گرایش داشتند. ماتیو آرنولد برای ترجمه هومر زبانی ساده، صریح و بدور از الفاظ مبتذل و عامیانه پیشنهاد می‌کرد. در قرن بیستم کسانی همچون کروچه (۱۹۲۲) و پل والر (۱۹۴۶) امکان ترجمه رسا و دقیق، خصوصاً در مورد شعر را مورد تردید قرار دادند.

آنچه در بالا گفته شد شرح اجمالی آراء نظریه پردازان ترجمه در دوره ماقبل زبانشناسی بود. در این دوره میان متون از نظر نوع و کیفیت تفکیکی ایجاد نمی‌شد. متون یا مذهبی بودند یا ادبی. نظریه پردازان این دوره از جهت نظری بسیار قوی بودند، اما روش و نمونه‌های عملی چندانی ارائه نکردند. بررسی آراء این نظریه پردازان سیری تدریجی از ترجمه آزاد بسوی تحلیل لغوی متن، اما نه لزوماً ترجمه لغوی، نشان می‌دهد. در این دوره نظریه خاصی درباره ترجمه عرضه نشد و بسیاری از کسانی که درباره ترجمه اظهار نظر کردند از آراء یکدیگر بی‌اطلاع بودند.